پرسه‌زنی در ذهن

تکثیر می‌شویم
ایان رید
نگاهی عمیقاً انسانی به پیری و مرگ دارد

رمان روان‌شناختی

کوروش سلیم‌زاده
مترجم تکثیر می‌شویم

آشنایی من با ایان رید از کانال یوتیوب یک دختر اوکراینی شروع شد که در پایان هر سال بهترین فیلم‌ها و کتاب‌های سال را به سلیقه خودش معرفی می‌کند. از آنجایی که فیلم‌های انتخابی‌اش همیشه با سلیقه‌ام جور بودند، اعتماد کردم که در کتاب‌های انتخابی‌اش هم باید هم‌سلیقه باشیم و خب، اشتباه نمی‌کردم. یکی از کتاب‌هایی که سال ۲۰۱۷ با هیجان غیرقابل وصفی معرفی کرد، همین کتاب «تو این فکرم که تمومش کنم» بود. کتاب را تهیه کردم، ابتدا فقط به قصد خواندن اما به نیمه‌های آن که رسیدم، دیدم باید ترجمه‌اش کنم.
ایان رید، نویسنده کانادایی و متولد سال ۱۹۸۰ است؛ تا اینجا دو کتاب غیرداستانی که هر دو حاصل خاطراتش از زندگی در مزرعه و مناطق دورافتاده روستایی کانادا هستند و سه رمان منتشر کرده است؛ «تو این فکرم که تمومش کنم»، «غریبه» و «تکثیر می‌شویم» از دو رمان اول، اقتباس‌های سینمایی بسیار ضعیفی انجام شده و از سومین رمان هم اقتباسی در راه است که به آن هم امید چندانی نیست.
هر سه رمان تریلرهایی روانشناسانه با درون‌مایه‌های ترسناک هستند که با نفوذ در عمقِ روح و روان انسان سؤالاتی را درباره خودآگاه و ناخودآگاه، هویت، اراده آزاد، ترس، واقعیت در برابر توهم و خیال، اهمیت روابط انسانی و ظرفیت تحمل‌مان برای انزوا مطرح می‌کنند. توصیف رید از کتاب‌های مورد علاقه‌اش در مورد آثار خودش هم صدق می‌کند: «من عاشق کتاب‌هایی هستم که بخشی از وظیفه کشف معنا و رمز و راز داستان و کامل کردن آن را برعهده خواننده می‌گذارند.»
آثار ایان رید داستان ترسناک به معنای متداولش نیست. داستایفسکی می‌گوید: «چه چیزی می‌تواند در نظر من شگفت‌انگیزتر، غیرمنتظره‌تر و هراس‌انگیزتر از خود واقعیت باشد؟» رید هم در جایی گفته است: «در داستان‌های من، خبری از خون و خونریزی، قتل، خشونت و صحنه‌های نفسگیر نیست. بعید است که حین خواندن از ترس یکه بخورید و از جا بپرید. برای من اینها اصلاً ترسناک نیستند. چیزی متحیرم می‌کند که ایمانم را به آنچه در زندگی مسلم می‌دانم، بگیرد و آرامشم را بر هم بزند، چیزی که واقعیت را مختل و مخدوش کند. این آن چیزی است که مو به تنم راست می‌کند.» یعنی همان واقعیتی که داستایفسکی از آن حرف می‌زند و در آثار خودش هم آورده است. در واقع ایان رید در آثارش ترس و تعلیق روانشناسانه را جایگزین صحنه‌های خونریزی و نیروهای مابعدالطبیعه می‌کند. در داستان‌های او با هیولایی که از دل تاریکی بیرون می‌جهد سر و کار نداریم. تکان‌دهنده‌ترین لحظات هم نه از غافلگیری‌های ناگهانی، بلکه از ناتوانی شخصیت اصلی داستان در نظم بخشیدن به ذهنیات خود و کنترل دنیای پیرامونش حاصل می‌شود؛ همچون کابوسی که در برابر فراموش شدن مقاومت می‌کند.

داستان‌هایی درباره حسرت

مقایسه داستان‌های ایان رید با استیون کینگ می‌تواند در این زمینه کمک‌مان کند. در اغلب داستان‌های استیون کینگ منشأ شر، مکانی دورافتاده و ناآشناست و سرچشمه‌اش نیروهای مابعدالطبیعه و خارج از کنترل بشر. در داستان‌های کینگ مادامی که خودمان را از بعضی مکان‌های خاص دور نگه داریم و آنقدر خوش‌شانس باشیم که گیر بعضی از نیروهای مابعدالطبیعه نیفتیم، چه بسا بتوانیم به سلامت به زندگی خود ادامه دهیم. ظاهراً برای استیون کینگ، شر خارج از وجود انسان است (یا حداقل منشأ آن در انسان نیست)؛ حتی در آن دسته از داستان‌های کینگ که منشأ شر یک شخص است، همیشه بر خرق عادت بودن آن تأکید می‌شود، (مثلاً در کری). این دیدگاهی است و تا اندازه‌ای رومانتیک. همین که بتوانیم شر را به نیروهایی ناشناخته و خارج از وجود خودمان نسبت دهیم، مقدار زیادی از نگرانی و اضطراب ما کاسته می‌شود. ناشناخته بودن یک پدیده، هیچ صدمه‌ای به معیارهای عقلانی و سیستم فکری ما نمی‌زند. به عبارت دیگر ناشناخته بودن یک پدیده، با توجه به نسبی بودن دانش ما، منافات جدی با عقل ندارد. اما در آثار ایان رید موضوع به این سادگی نیست. وحشت در این داستان‌ها به هیچ منشأ متافیزیکی وابسته نیست و به طور ترسناکی زمینی است. برای ایان رید وحشت واقعی از عدم اطمینان می‌آید، وقتی نمی‌دانید به چه چیزی یا چه کسی می‌توانید اعتماد کنید.
اگر بخواهم آثار ایان رید را در یک کلمه خلاصه کنم، باید بگویم آنها داستان‌هایی هستند درباره حسرت؛ حسرت حرف‌های نزده، کارهای نکرده، شجاعت‌های به خرج نداده، دوستت دارم‌های نگفته ـ یا کم گفته. قدم‌های برنداشته، عشق‌های نورزیده و البته رنجِ زندگی با عواقب‌شان. نبوغ ایان رید در این است که چنین تم پیچیده‌ای را در قالب تریلرهایی روانشناسانه و هیچکاکی به رشته تحریر درآورده است. به نظرم آثار ایان رید گسترش یافته ایده نهفته در این جمله «مارک تواین» است که گفته «بیست سال بعد برای کارهایی که نکرده‌ای بیشتر افسوس و حسرت خواهی خورد تا کارهایی که کرده‌ای»، چیزی که همه ما به درجاتی در زندگی تجربه کرده‌ایم.

جذابیت‌های آثار ایان رید

چند نکته در آثار ایان رید برایم جذاب بود که به ترجمه‌شان علاقه‌مند شدم. اول حجم کم آنها، دوم ریتم تندشان و سوم هم لحن عوض کردن‌های پیاپی‌شان. به سختی می‌توان آثار رید را به ژانر ادبی خاصی محدود کرد. در هر سه رمان ابتدا به نظر می‌رسد با داستانی کمدی‌ـرومانتیک طرفیم، بعد کم‌کم داستان‌ها رنگ و بوی جنایی به خود می‌گیرند، به تدریج جنبه‌های سوررئالی وارد داستان‌ها می‌شوند که از توضیح‌شان عاجزیم و در یک‌سوم پایانی هم گویی با یک تریلر هیچکاکی با مایه‌هایی از ژانر وحشت روبه‌رو هستیم. با این حال این لحن عوض کردن‌ها نه‌تنها لطمه‌ای به داستان‌ها نمی‌زنند، بلکه به نقطه قوت‌شان بدل می‌شوند و بعد هم خودداری نویسنده از هر گونه توصیفات و توضیحات اضافی و خسته‌کننده. خودش در این‌باره می‌گوید: «هر چه بیشتر سعی کنید توضیح دهید، مصالح کارتان ضعیف‌تر می‌شود. اگر به خواننده اجازه دهیم درباره آنچه در حال وقوع است حدس‌هایی بزند، نتیجه کار خیلی بهتر خواهد بود، چون شخصیت‌ها حالا در تخیل خواننده دارند زندگی می‌کنند.»
اغلب موقع خواندن رمان‌ها پیش می‌آید به صفحاتی بربخورید که می‌توان نخوانده از آنها عبور کرد، بدون اینکه چیزی از داستان مبهم باقی بماند. در آثار رید از دست دادن حتی یک پاراگراف می‌تواند به درک شما از داستان و شخصیت‌ها لطمه بزند. هر سه رمان از زاویه دید اول‌شخص روایت می‌شوند که به خواننده امکان می‌دهد بدون واسطه وارد ذهن شخصیت اصلی داستان شود و تردیدها، ترس‌ها و ابهامات قهرمان داستان را حس کند. این به نظرم انتخابی بسیار هوشمندانه از جانب نویسنده بوده. اگر نگاهی به داستان‌های کارآگاهی بیندازیم، همیشه هر کارآگاه باهوشی یک وردست نه‌چندان باهوش هم در کنارش دارد که اغلب در طول داستان همان سؤالاتی را مطرح می‌کند که برای ما به‌عنوان مخاطب مطرح هستند و همان کنجکاوی‌هایی را نشان می‌دهد که برای ما وجود دارند. مثلاً دکتر واتسون در شرلوک هولمز و هستینگز در پوآرو. با اینکه قهرمان در هر دو مورد شرلوک و پوآرو هستند، اما اغلب راوی داستان واتسون و هستینگز هستند و ما داستان را از نقطه دید آنها دنبال می‌کنیم و همذات‌پنداری ما بیشتر متوجه آنهاست تا شرلوک و پوآرو. به عبارتی واتسون و هستینگز در حکم وکیل‌مدافع مخاطب عمل می‌کنند و اطلاعات ما از وقایع داستان به ندرت از اطلاعات آنها پیشی می‌گیرد و ما همراه و هم‌قدم با آنها داستان را کشف می‌کنیم. علت انتخاب راوی اول‌شخص و محدود کردن نقطه دید ما به او در آثار رید هم همین هدف را دارد. با قدم به قدم روشن‌تر شدن ماجرا، روایت داستان جذاب باقی می‌ماند.

ایان رید در رمان «تکثیر می‌شویم» استادانه ما را به پرسه در ذهن پنی وامی‌دارد. ذهنی که شکاف برداشته، اما هنوز بیدار است. او نشان می‌دهد وحشت واقعی نه در هیولاها که در محو شدنِ تدریجی مرزهاست: میان ما و دیگران، میان امنیت و تهدید، میان بودن و نبودن

روایت یک انتقالی ناگزیر

در «تکثیر می‌شویم»، سومین رمان ایان رید که به فارسی ترجمه شده نیز دغدغه‌های فلسفی نویسنده همچون دو رمان قبلی او در تاریکی‌های ذهن انسان جوانه می‌زنند و این‌بار نیز به ساحت ناپایدار آگاهی قدم می‌گذارند. قهرمان داستان، پنی، پیرزنی هنرمند که روزگاری نقاشی می‌کشید تا جهان را بفهمد، اکنون در مرز فروپاشی حافظه قرار دارد. روایتی از زندگی که از پسِ سالخوردگی و تنهایی به خود می‌نگرد و می‌پرسد: آیا ما همانیم که به یاد می‌آوریم؟ انزوا و تنهایی در این رمان نه حادثه‌ای بیرونی که همچون مکانی درونی ترسیم می‌شود. آپارتمانی تنگ که هر روز کوچک‌تر می‌شود؛ جایی که اشیا به خاطرات بدل شده‌اند و خاطرات، به هراس. «تکثیر می‌شویم» در نگاه اول، روایتی است ساده از انتقال ناگزیر زنی سالخورده به مرکز مراقبت از سالمندان، اما در لایه‌های پنهان‌تر، تجربه‌ای است اضطراب‌آور و در عین حال شاعرانه، جایی که مرز واقعیت و خیال پیوسته جابه‌جا می‌شود. خواننده هرچه بیشتر پیش می‌رود، کمتر می‌داند چه چیزی حقیقت دارد و چه چیز ندارد. صداهایی از پشت دیوار؟ حضورهای خاموش در دل شب؟ تهدیدی نامعلوم یا توهمی حاصل از تنهایی؟ پنی از پشت پنجره‌اش جهانی را می‌بیند که بی‌تفاوت از مقابل چشمانش عبور می‌کند. این بی‌تفاوتی، نه خصومت، که حقیقت مدرن زندگی است: حضور بی‌تفاوت دیگری، که ما را از موجودیتی نامرئی آگاه می‌سازد. رید نشان می‌دهد چگونه زندگی روزمره، آهسته و بی‌صدا ما را از صحنه جهان کنار می‌زند و نقطه‌ای فرا می‌رسد که دیگر کسی به یاد نمی‌آورد چه بودیم، چه کردیم و از کجا آمدیم.

تکثیر می‌شویم
- نویسنده: ایان رید
- مترجم: کوروش سلیم‌زاده
- انتشارات: نشر چشمه
- تعداد صفحات: ۲۵۶ صفحه
- قیمت: ۳۷۰۰۰۰ تومان

ایان رید در پرتره‌هایش از انسان‌ها، به‌ویژه پیرمردها و پیرزن‌ها، با نگاهی عمیقاً انسانی به پیری و مرگ می‌نگرد. در این رمان، پنی نه‌تنها با فراموشی و فرسایش ذهن، بلکه با پرسش‌های بنیادین درباره هویت، حافظه و معنای زندگی روبه‌رو است. او در خانه‌ای زندگی می‌کند که دیگر به او تعلق ندارد، با خاطراتی که دیگر به او تعلق ندارند و با آدم‌هایی که او را نمی‌شناسند. این تنهایی، نه صرفاً فیزیکی، بلکه وجودی است. پنی در میان این فروپاشی، هنوز به دنبال معنا است و این جستجو، او را به لحظه‌هایی از گذشته می‌برد که در آن هنوز امید وجود دارد. رید با ظرافت نشان می‌دهد که حافظه نه انبار خاطرات، بلکه روایتی است که ما از خود می‌سازیم و چگونه این روایت می‌تواند در برابر فراموشی مقاومت کند.
ایان رید ذهن پنی را نه به عنوان یک بیمار، بلکه به عنوان یک انسان تنها و آسیب‌دیده نشان می‌دهد که هنوز به دنبال معنا است. او با ظرافت و بدون قضاوت، لحظه‌هایی از زندگی پنی را روایت می‌کند که در آن حافظه و زمان به هم گره می‌خورند و مرز میان واقعیت و خیال محو می‌شود. این روایت نه‌تنها به مخاطب کمک می‌کند تا با شخصیت اصلی همذات‌پنداری کند، بلکه او را به تأمل در معنای زندگی، فراموشی و مرگ دعوت می‌کند. رید با زبانی ساده و صمیمی، اما عمیق و تأثیرگذار، این مسیر را طی می‌کند و خواننده را به سفری درونی می‌برد که در آن هر صفحه می‌تواند آینه‌ای برای خود او باشد.
در پایان، آثار ایان رید و از جمله همین «تکثیر می‌شویم» داستان‌هایی هستند درباره زندگی و نه مرگ. درباره ناتوانی انسان در ثبت کامل خویشتن؛ درباره حقیقتی که نه در ماندگاری، که در تغییر و دگرگونی است. پنی، با تمام ضعف‌هایش، آینه‌ای است که ما در آن چهره فردای خود را می‌بینیم: چهره‌ای که کم‌کم از قاب حافظه پاک می‌شود، اما تا واپسین لحظه برای دیده شدن تلاش می‌کند.

جدال با زوال

روایتی از فروپاشی ذهن و تلاش برای بقا در تکثیر می‌شویم نوشته ایان رید

مرور

مریم شهبازی
گروه کتاب

تنهایی، فراموشی و مرگ در ادبیات داستانی دغدغه‌هایی جهانی و فراملی هستند؛ مضامینی که به شیوه‌های گوناگون به آثار داستانی راه پیدا می‌کنند. رمان «تکثیر می‌شویم/ We Spread» نوشته ایان رید که با ترجمه کوروش سلیم‌زاده از سوی نشر چشمه منتشر شده نیز در چنین بستری شکل می‌گیرد؛ در فضایی وهم‌آلود و غوطه‌ور میان واقعیت و خیال. نویسنده در این رمان از فروپاشی تدریجی حافظه و ادراک انسانی در واپسین سال‌های عمر سخن می‌گوید؛ از نوسانی دردناک میان هستی و نیستی. ایان رید، رمان «تکثیر می‌شویم» را با تکیه بر همین موضوعات و در قالب تریلری روان‌شناختی نوشته است تا نشان دهد ترس‌های درونی انسان گاهی واقعی‌تر از هر واقعیتی هستند.

تریلری روان‌شناختی و معمایی

هسته اصلی رمان «تکثیر می‌شویم» درباره پیری، ترس از فراموشی و شکنندگی ذهن در گذر زمان است؛ دغدغه‌ای مشترک و جهانی در نبرد با زوال و نیستی. رمان با روایت «پنی» آغاز می‌شود؛ زنی سالخورده که شرح زندگی‌اش را با خاطراتی از همسر درگذشته و حرفه‌اش آغاز می‌کند: «هنرمند بود. نقاشی پرکار، شایسته و متمایز. دیگران را با جسارت و نبوغش تحت‌تأثیر قرار می‌داد. عاشق این بود که مخاطبانش را گیج و شوکه کند. او طی سال‌ها، زیبایی‌شناسی این آشفتگی منظم و اغراق شده را صیقل داده و تعالی بخشیده بود.» یکی از ترس‌های همیشگی همسر پنی که ظاهراً طرفداران بسیاری هم داشته، مرگ و ترس از فراموشی بوده: «قبل از مرگش، زمانی که به شدت بیمار بود، به من گفت که چقدر ترسیده است. می‌ترسید از یادها برود و دیگر موضوع بحث‌ها نباشد. تا پیش از آن هرگز به این ترسش اعتراف نکرده بود. هرگز. گفت وقتی خیلی به مرگ نزدیکی، وقتی حضورش را احساس می‌کنی، عمق ترس بی‌نهایت است. نمی‌خواست بمیرد. نومیدانه زمان بیشتری می‌خواست.» این نوع روبه‌رو شدن با نیستی، بخشی از همان ترسی است که نویسنده با روایت دوران پیری، زندگی شخصیت اصلی آن را با خواننده به اشتراک می‌گذارد؛ پنی برخلاف همسرش هرگز گرفتار شهرت و دلبستگی‌های آن نبوده و این ترس را با جنس دیگری تجربه می‌کند.
پنی بعدتر فضای آپارتمان شخصی‌اش و زندگی خموده‌ای را که به آن مبتلا شده به تصویر می‌کشد، البته طولی نمی‌کشد که به دنبال وقوع یک حادثه، به گونه‌ای ناگهانی سر از خانه سالمندانی خارج از شهر درمی‌آورد؛ مؤسسه‌ای که به شکلی غیرمنتظره، آرام و در عین حال نگران‌کننده اداره می‌شود: «تا حالا نشنیده بودم آسایشگاهی تنها چهار ساکن داشته باشد. آیا اتاقم را از قبل برای من نگه داشته‌اند؟ ناگهان از دهانم می‌پرد: فقط ما شش نفر (به همراه مدیر و کارمند) در کل آسایشگاه هستیم؟ دوباره همه نگاه‌ها متوجه من می‌شود. نباید چیزی می‌گفتم!»
در برخی معرفی‌ها، «تکثیر می‌شویم» را در ژانر وحشت طبقه‌بندی کرده‌اند، منتهی نه از آن جنسی که در رمان‌های استیون کینگ، شرلی جکسون یا قدیمی‌ترهایی چون ادگار آلن پو می‌خوانیم. وحشت این رمان، از دل واقعیت برمی‌خیزد، نگرانی‌هایی که افزون بر تنهایی، از آسیب‌پذیری‌های دوران پیری و از دست دادن هویت و استقلال شخصی نشأت می‌گیرد و همین سبب می‌شود تا خواننده خود را در برابر تجربه متفاوتی از دلهره ببیند، دلهره‌ای واقعی و البته محتوم برای اغلب انسان‌ها. هرچند پابلیشر زویکلی و استیون دیبلو بیتی، منتقدان سرشناس ادبی، در یادداشت‌هایی که در کتاب هم آمده، رمان «تکثیر می‌شویم» را در گونه تریلر روان‌شناختی با ساختار معماگونه و وهم‌انگیز جای داده‌اند. در ادبیات امروز، تریلرهای روان‌شناختی بیش از آنکه به کشمکش‌های بیرونی متکی باشند، جست‌وجویی در ذهن انسان هستند. برخلاف آثاری چون «کلکسیونر» جان فاولز که در آنها کشمکش بیرونی و حتی خشونت نیز خودنمایی می‌کند، ایان رید با لحنی آرام در فضایی وهم‌آلود گام برمی‌دارد و تمرکز اصلی‌اش را بر نبرد پنی با ذهن خودش می‌گذارد و به اضطراب درونی می‌پردازد.
ایان رید در این رمان، گاهی مرز خیال و واقعیت را چنان به هم درمی‌آمیزد که مخاطب در عین سردرگمی شاید درگیر این پرسش شود که آنچه رخ می‌دهد حقیقت عینی است یا تصویری از فروپاشی ذهنی پنی؟ این ابهام روایی به درک بهتر و ملموس مضامین اصلی رمان، به‌خصوص شکنندگی حافظه و زوال کمک می‌کند: «پرتره ناتمام هیلبرت آنجا روی میز من قرار دارد. چگونه سر از میز من درآورده است؟ به تابلو نزدیک‌تر می‌شوم و ژاکت پشمی‌ام را روی لباس خوابم می‌پوشم. آخرین‌بار کی روی آن کار کرده‌ام؟... به نظر می‌آید... فرق کرده. او فرق کرده.» از سوی دیگر، «پیری» در این اثر مفهومی، صرفاً فیزیولوژیکی نیست؛ بلکه تجربه‌ای ذهنی در مرز میان ماندن و رفتن است.

> ایان رید در رمان «تکثیر می‌شویم» گاهی مرز خیال و واقعیت را چنان به هم درمی‌آمیزد که مخاطب در عین سردرگمی شاید درگیر این پرسش شود که آنچه رخ می‌دهد حقیقت عینی است یا تصویری از فروپاشی ذهنی شخصیت اصلی؟ این ابهام روایی به درک بهتر و ملموس مضامین اصلی رمان، به‌خصوص شکنندگی حافظه و زوال کمک می‌کند

نویسنده‌ای آشنا با ساختار ذهن

ایان رید، نویسنده کانادایی متولد ۱۹۸۰، پیش از آنکه به رمان‌نویسی بپردازد، مقاله‌نویس و روزنامه‌نگار بود. کتاب‌های اولیه او نمونه‌هایی از نوشته‌های خاطره‌محور و فلسفی‌اش هستند که نشان از نگاه عمیق و تأمل‌برانگیز او به زندگی روزمره دارند.
این آثار زمینه‌ساز رشد او در نویسندگی شدند و ویژگی‌هایی چون لحن طنزآلود و نگاه فلسفی را در آثارش تثبیت کردند. اولین رمان او «تو این فکرم که تمومش کنم/ I'm Thinking of Ending Things» با استقبال زیاد منتقدان روبه‌رو شد و در نهایت اقتباس سینمایی آن با کارگردانی چارلی کافمن ساخته شد.
از این رمان دو ترجمه منتشر شده، «تو این فکرم که تمومش کنم» با ترجمه کوروش سلیم‌زاده (نشر چشمه) و «در پی پایان» به ترجمه شقایق قندهاری (انتشارات آموت). همچنین رمان Foe نیز با عنوان‌های «غریبه» با ترجمه کوروش سلیم‌زاده (نشر چشمه) و «دشمن» با ترجمه محمد غفوری (انتشارات کنار) به فارسی منتشر شده‌اند. منتقدان ادبی، شناخت او از ساختار ذهن، طنز تلخ و زبان مینی‌مالیستی‌اش را از ویژگی‌های مشترک تمام آثار ایان رید می‌دانند.

استعاره‌ای از انسان امروز

از دیگر ویژگی‌های «تکثیر می‌شویم» ساختار روایی آن است. این رمان از زاویه دید اول‌شخص روایت می‌شود و همه چیز از فیلتر ذهنی پنی می‌گذرد؛ روایتی که به نظر می‌رسد در انتقال تجربه ذهنی مورد نظر نویسنده به مخاطبان مؤثر است. خواننده در این اثر تنها با یک راوی مواجه است، بنابراین امکان دیگری برای مواجهه با اتفاقاتی که روایت می‌شود، ندارد. از سوی دیگر روایت «تکثیر می‌شویم» خطی نیست و به کمک فلش‌بک‌های کوتاه به گذشته، قطعات پازل زندگی پنی کنار هم قرار می‌گیرند. در این رمان خبر چندانی از مناسبات اجتماعی و حتی مسائل و اتفاقات سیاسی هم نیست و ایان رید، پنی را که به نظر استعاره‌ای از انسان معاصر است با خودش تنها می‌گذارد. این رمان لایه اولیه و آشکارش، درباره زوال است و در لایه پنهان‌تر، درباره میل پنهان به زیستن است؛ تلاشی برای بقا در ذهن خویشتن و حتی در حافظه دیگران: «روزها و سال‌ها خیلی سریع می‌گذرند. ای کاش راهی برای کند کردن سرعت همه چیز وجود داشت. این‌طور فکر نمی‌کنی؟ تا زمان بیشتری داشته باشیم. هیچ چیز مهم‌تر از زمان نیست.» ایان رید نشان می‌دهد ترس حقیقی نه از مرگ، بلکه از فراموش شدن و فراموش کردن است. کشمکش مخاطب با این دغدغه‌های ذهنی پنی تا صفحات آخر ادامه پیدا می‌کند. پایان «تکثیر می‌شویم» به شکلی طراحی شده که خواننده خودش پاسخ سؤالاتش را پیدا کند، شکلی از پایان‌بندی که کوروش سلیم‌زاده، در مقدمه کتاب آن را احترام به خواننده خوانده و درباره‌اش نوشته است: «فکر می‌کنم پایان‌های مبهم به خواننده احترام می‌گذارند، چون به آنها امکان می‌دهند تا خودشان داستان را تکمیل کنند. برای من این رمان درباره سؤالاتی است که پاسخ قطعی ندارند. مثل اینکه هویت ما چیست یا چگونه با پایان زندگی‌مان کنار می‌آییم.» از رابرت جی. ویریسما، منقد ادبی، چند سطری در کتاب آمده که شاید تعبیری مناسب از آن چیزی باشد که ایان رید در رمان با مخاطبان خود به اشتراک می‌گذارد، آنجا که نوشته است: «تکثیر می‌شویم رازی برای حل کردن نیست، بلکه تجربه‌ای است برای زیستن.»
مترجم رمان «تکثیر می‌شویم»، ریشه این رمان را در دغدغه‌های همیشگی ایان رید و در تجربه شخصی‌اش خوانده و در مقدمه نوشته است: «رید در مصاحبه‌ای گفته، ایده اولیه رمان را از تجربه واقعی مادربزرگش که در حدود صد سالگی به یک مرکز مراقبت سالمندان منتقل شده، الهام گرفته است: مشاهده زندگی مادربزرگم در آن سن و در یک مرکز مراقبت و همچنین تأمل در پیری، جرقه اولیه داستان را زد.» نویسنده در اغلب مصاحبه‌های خود اشاره کرده که تماشای زوال حافظه در نسل پیشین، پرسش‌های فلسفی عظیمی را برای او زنده کرده و از همین تجربه‌هاست که داستان «تکثیر می‌شویم» شکل گرفته، تلاشی برای فهم اینکه چه میزان از ادراک ما وابسته به دیگری است و در غیاب نگاه دیگری چگونه ذهن به بازسازی جهان می‌پردازد. رید با خلق فضایی مبهم، نشان می‌دهد مرز ذهن و واقعیت چقدر شکننده است.